چرا زیدان را دوست داریم ۲۴

زیدان، «آشیل» عصر مدرن ۲۴

بزرگترین مصداق یک ستاره تیمی .. ۲۵

آلبوم خاطرات ۲۶

آخرین برگ از افسانه شماره ۱۰

پایان اسطوره

مهدی زعیم‌زاده

«وقتی ما نمی‌دانستیم در زمین چه‌کار کنیم، توپ را به زیدان می‌دادیم، او به خوبی می‌دانست که باید چه کار کند.» این جملات بیسنته لیزارازو دفاع چپ تیم ملی فرانسه در تمجید از زین‌الدین زیدان پس از خداحافظی زیزو از تیم ملی است. رقابت‌های یورو ۲۰۰۴ با حذف فرانسه در مرحله یک‌چهارم نهایی به پایان رسیده بود. بی‌شک شماره ۱۰ افسانه‌ای فرانسه بهترین بازیکن خروس‌ها در آن تورنمنت بود و حتی در تیم منتخب جام هم جای گرفت با این حال زیزو تصمیم گرفته بود از تیم ملی کناره‌گیری کند و به حضور ده‌ساله خود در این تیم پایان دهد. اصرار مردم و مربیان فرانسه ثمری نداشت و زیدان معتقد بود که دورانش در تیم ملی به سرآمده و باید جای خود را به جوانترها بدهد. کاری که بسیاری از هم‌تیمی‌های او مثل دسایی، لیزارازو و تورام هم انجام داده بودند. فرانسوی‌ها چاره‌ای جز ستایش از این جادوگر نداشتند. این زیدان بود که فرانسه را به قدرت دوباره فوتبال جهان تبدیل کرد. مگر می‌شد بدون زیزو قهرمان جهان و اروپا شد؟ از یک دقیقه سحرآمیز او مقابل انگلیس فقط چند روز گذشته بود که زیدان خبر از خداحافظی از تیم ملی داد. لوموند تیتر زد «میلیون‌ها نفر او را تحسین می‌کنند». تیتر اول لیبراسیون هم به تمجید از زیدان اختصاص داشت: «او دوست‌داشتنی‌ترین بازیکن نسل خودش بود». زیدان در فرانسه یک قهرمان به معنای واقعی بود. هرساله در نظرسنجی‌ای که برای انتخاب محبوب‌ترین شهروند فرانسوی برگزار می‌شد در صدر قرار می‌گرفت و با به جا گذاشتن تصویری باشکوه از خود از تیم ملی کنار رفت. تاکیدی که زیدان بر کناره‌گیری‌اش داشت بازگشتش به تیم ملی را بعید جلوه می‌داد. اما سرنوشت به گونه‌ای رقم خورد که شماره ۱۰ رضایت به بازگشت داد. فرانسه بدون زیدان حتی نمی‌توانست از پس اسرائیل بربیاید و حضور قهرمان ۹۸ جهان و ۲۰۰۰ اروپا در جام‌جهانی ۲۰۰۶ به اما و اگرها بستگی پیدا کرد، اینجا بود که زیدان نتوانست مقابل اصرار هوادارانش مقاومت کند اعلام کرد به همراه ماکلله و تورام به تیم ملی بازمی‌گردد تا فرانسه را به جام‌جهانی برساند. این تصمیم زیدان یک ریسک بزرگ بود، احتمال نرسیدن فرانسه به جام‌جهانی بسیار زیاد بود. این تیم دو دیدار دشوار در سوئیس و ایرلند داشت و نتیجه نگرفتن فرانسه در این بازی موجب می‌شد بازگشت زیزو به تیم ملی با ناکامی همراه شود و کمی به اعتبار و شکوه او خدشه وارد شود، اما زیدان تصمیمش را گرفت و برای کمک به آبی‌ها بازگشت. گویی تمام فرانسه منتظر این تصمیم او بودند. هنوز شماره ۱۰ به کسی سپرده نشده بود و دوباره به صاحب اصلی‌اش رسید.

بازگشت زیدان امید را به فوتبال فرانسه بازگرداند و تیمی که در یک سال گذشته دوران مصیبت‌باری را پشت‌سر گذاشته بود دوباره جان گرفت. ماموریت زیدان و شرکا شروع شد. اکیپ با چاپ عکسی بزرگ از زیدان تیتر زد «از رهبر پیروی کنید» و در نهایت فرانسه به کمک بزرگانش موفق شد به جام‌جهانی صعود کند. بازی آخر این تیم برابر قبرس بود، یک پیروزی ۴ بر صفر جشن خروس‌ها را تکمیل کرد به ویژه اینکه گل او را کاپیتان زیدان به‌ثمر رسانده بود، فرانسه به جام‌جهانی رسید و همه آماده بودند تا از زیدان تشکر کنند. درست است که او دیگر همان جادوگر سال ۲۰۰۰ نبود اما باز هم تمامی فرانسوی‌ها می‌دانستند که تیم ملی کشورشان با زیدان و بدون این بازیکن دو تیم متفاوت است. بدون شماره ۱۰ به راحتی در جام‌جهانی ۲۰۰۲ حذف شدند و برای رسیدن به جام‌جهانی ۲۰۰۶ به مخمصه افتادند و در آن‌سو در سایه درخشش زیدان به فاصله ۲ سال قهرمانی جهان و اروپا را جشن گرفتند. با اینکه در آن روزها تیری‌آنری در فوتبال جزیره و اروپا هنرش را به رخ می‌کشید باز هم همه قدردان زیدان بودند. تشکر از زیدان تیتر اصلی روزنامه‌ها بود و ماموریت دیگری برای این بازیکن الجزایری‌الاصل شروع شد؛ موفق کردن فرانسه در جام‌جهانی. نگاه فرانسوی‌ها برای رسیدن به این آرزوی بزرگشان به زیزو بود چرا که می‌دانستند زیدان برای موفقیت آفریده شده است.

■ عاشق مارسی

زین‌الدین زیدان در ۲۳ ژوئن ۱۹۷۲ در مارسی به دنیا آمد. پدر و مادر او یک زوج مهاجر الجزایری و مسلمان بودند و آنها در یک منطقه مهاجرنشین فرانسه به نام کاستیل زندگی می‌کردند. زیزو در این باره می‌گوید: «من همیشه سپاسگزار فوتبال هستم چرا که این فوتبال بود که اجازه نداد من در منطقه فقیرنشین کاستیل به سمت کارهای خلاف کشیده شوم.» زیدان که فوتبال را از محله‌ها و خیابان‌های مارسی شروع کرده بود خیلی زود به باشگاه «یو اس سن هنری» رفت و بعد از گذراندن دوره‌ای در آکادمی «المپیک» توسط ژان وارود برای باشگاه کن انتخاب شد. ابتدا قرار بود حضور او در کن کوتاه‌مدت باشد. اما مسئولان این باشگاه پس از دیدن استعداد این بازیکن او را از دست ندادند و در ۱۶ سالگی یک قرارداد حرفه‌ای با زیدان امضا کردند. مطمئناً آرزوی زیدان مثل تمامی هم‌سن‌وسال‌هایش بازی در تیم محبوب شهر المپیک مارسی بود و او با این هدف کار خود را شروع کرد. انزو فرانچسکولی ستاره اروگوئه‌ای مارسی الگوی زین‌الدین محسوب می‌شد و به همین دلیل او بعدها نام پسر اول خود را انزو گذاشت. زیدان اولین بازی خود در لیگ فرانسه را در ۱۷ سالگی انجام داد و در ۸ فوریه ۱۹۹۱ اولین گل خود را برای کن به ثمر رساند. پس از این گل رئیس باشگاه یک «سیلو» به او هدیه داد. در همان فصل اول به همراه کن به جام یوفا صعود کرد که موفقیت بزرگی برای این بازیکن محسوب می‌شد. فصل دوم حضور زیزو در کن چندان موفقیت‌بار نبود و او حتی یک بار هم بازی کرد، با این حال زیدان از آن سال خاطرات خوبی در ذهن دارد در آن موقع بود که با همسر اسپانیایی خود «ورونیک» آشنا شد. آنها در سال ۱۹۹۳ با هم ازدواج کردند. دو سال پایانی حضور زیدان جوان در بوردو بسیار موفقیت‌بار بود و او مورد توجه چند باشگاه قرار گرفت. در نهایت در سال ۱۹۹۲ در حالی که بیست سال بیشتر نداشت به بوردو ملحق شد. در آن زمان مارسی هم خواستار این بازیکن بود اما از آنجا که بوردو تمایل بیشتری نشان داد زین‌الدین بوردو را انتخاب کرد. این در حالی است که زیدان همیشه دوست داشت برای مارسی بازی کند اما هیچ‌گاه به این آرزویش نرسید.

■ تولد زیزو

شکوفایی زیدان در فرانسه با بوردو شروع شد. در این تیم بود که او درخشش خود را شروع کرد و نشان داد که چه نابغه‌ای است. نام زیزو هم در همین دوره روی او گذاشته شد. هواداران بوردو با گفتن زیزو او را تشویق می‌کردند. این در حالی است که دوستان نزدیک و خانواده زیدان او را «یز» صدا می‌زنند.

بازی‌های خوب زیزو در بوردو کاملاً به چشم می‌آمد و او پس از دو سال حضور در بوردو به تیم ملی دعوت شد. بوردو با زیدان دوران نسبتاً موفقی را پشت‌سر گذاشت. اوج کار آنها به فصل ۹۶- ۹۵ برمی‌گردد. بوردو توانست خود را به فینال جام یوفا برساند هر چند که آنها در دیدار پایانی مغلوب بایرن شدند، با این وجود عملکرد زیدان در آن رقابت‌ها باعث شد که باشگاه یوونتوس او را به خدمت بگیرد.

■ شروع رویایی در تیم ملی

اولین بازی ملی زیدان در ۱۷ آگوست ۱۹۹۴ مقابل جمهوری چک بود. او در دقیقه ۶۳ هنگامی که فرانسه دو بر صفر از حریف خود عقب بود وارد زمین شد و با به ثمر رساندن دو گل بازی را به تساوی کشاند. یک شروع رویایی. زیزو از همان اول نشان داد که یک هدیه برای تیم ملی فرانسه است. البته زیدان چون ملیت فرانسوی الجزایری داشت می‌توانست برای الجزایر هم بازی کند. اما عبدالحمید کرمالی مربی الجزایر او را به تیم ملی دعوت نکرد چرا که معتقد بود زیدان بازیکن سریعی نیست و زیزو فرانسه را برگزید. یورو ۹۶ اولین تورنمنت معتبری بود که این بازیکن در آن شرکت کرد. امه ژاکه اعتقاد ویژه‌ای به زیدان داشت و در آن رقابت‌ها زیدان با پیراهن شماره ۱۰ مهره ثابت خط میانی تیمش بود. با اینکه عده‌ای از ژاکه ایراد می‌گرفتند که بیش از حد به زیدان اعتقاد دارد اما مربی فرانسه به این بازیکن ایمان داشت. حتی یوری ژورکائف ستاره آن روزهای تیم ملی فرانسه به ژاکه پیشنهاد داده بود که اینقدر به زیدان بازی ندهد اما ژاکه می‌دانست که همین بازیکن قرار است او را به قهرمانی جهان برساند. در سال‌های بعد مطبوعات فرانسه شایعات زیادی در مورد رابطه نه‌چندان صمیمانه زیدان و ژورکائف منتشر کردند و منشاء این اختلافات را به یورو ۹۶ مرتبط دانستند. به هر حال زیدان پس از یورو ۹۶ راهی تورین ایتالیا شد تا بخت خود را در سری A بیازماید.

■ جا پای پلاتینی

میشل پلاتینی در دهه ۸۰ دوران بسیار موفقی را در یووه پشت‌سر گذاشت و همه انتظار داشتند که زیدان هم چنین سرنوشتی در تورین داشته باشد. اتفاقاً زیزو خیلی زود همه نگاه‌ها را به خود معطوف کرد و از همان ابتدا نشان داد که چه هافبک ممتازی است. زیدان در یووه با مربیگری مارچلو لیپی روز به روز کاملتر و هنرمندتر شد و دیگر کسی شک نداشت که او بهترین هافبک جهان است. در همان دو سال اول دو بار با یوونتوس فاتح سری A شد و اتفاقاً در هر دو سال به فینال لیگ قهرمانان اروپا صعود کرد اما در هر دو مرتبه ناکام ماند. زیدان و هم‌تیمی‌هایش در سال ۹۷ برابر دورتموند تسلیم شدند و در سال بعد نتیجه را به رئال‌مادرید واگذار کردند. سه شکست در سه فینال پیاپی اروپایی در کارنامه زیدان ثبت شد که اولین آن به همراه بوردو در جام یوفا بود با این حال افتخار بزرگتری انتظار او را می‌کشید.

■ پیوند به تاریخ

فرانسه قصد داشت در خانه خود فاتح جام‌جهانی شود. امه ژاکه مربی اصولگرای فرانسه از چند سال قبل برای فتح جام نقشه کشیده بود و در برنامه‌های او زیدان شاه‌مهره بود. او از اریک کانتونا و دیوید ژینولای نامدار چشم‌پوشی کرده بود تا زیدان را فرمانده تیمش کند. زیدان و فرانسه جام را بسیار خوب شروع کردند. این تیم در گام اول با ۳ گل آفریقای جنوبی را شکست داد. زیدان در زادگاهش مارسی، نمایش قابل قبولی از خود ارائه کرد: «بازی اول برایم خیلی مهم بود. تمامی خانواده‌ام در «ولودروم» حاضر بودند. و می‌خواستم که این بازی را ببریم.» در بازی دوم هم فرانسه با میانداری زیزو به راحتی عربستان را گلباران می‌کرد تا اینکه در دقیقه ۷۰ یک اتفاق عجیب رخ داد؛ زیدان به علت لگد زدن به فواد امین بازیکن عربستان از زمین اخراج شد. آنهایی که نزدیک صحنه حاضر بودند می‌گویند که امین به زیزو توهین کرد و او هم نتوانست خود را کنترل کند و واکنش نشان داد. هم‌اکنون می‌دانیم که بازی با عربستان تنها مرتبه‌ای نبود که زیدان خونسرد و آرام نتوانست آرامش خود را حفظ کند. به هر حال آن کارت قرمز جام‌جهانی زیزو را خراب نکرد. او بازی تشریفاتی با دانمارک و مسابقه یک‌هشتم مقابل پاراگوئه را از دست داد. در ادامه زیدان و فرانسه ایتالیا و کرواسی را شکست دادند. تا آن فینال به‌یادماندنی به سراغ این بازیکن آمد. زیدان که در طول رقابت‌ها به‌رغم ارائه بازی‌های قابل قبول نتوانسته بود گل بزند دو گل با ضربه سر به ثمر رساند تا قهرمانی را به فرانسه هدیه دهد. این دو گل باعث شد که قهرمانی فرانسه در سال ۹۸ به پای زیدان نوشته شود. در همان سال او عناوین مرد سال جهان و اروپا را از آن خود کرد و به یک چهره تاریخی در فوتبال جهان تبدیل شد. فصل ۹۹ - ۹۸ فصل چندان پرباری برای زین‌الدین نبود. او بسیاری از بازی‌های مهم یوونتوس را به علت مصدومیت از دست داد و در واقع پس از سال ۹۸ هرگز زیدان و یوونتوس به عنوان مهمی دست پیدا نکردند.

دو عنوان قهرمانی سری A را با مربیگری آنچلوتی به لاتزیو و رم واگذار کردند و در لیگ قهرمانان نیز به جایی نرسیدند، البته این بدان معنی نیست که زیزو سال‌های ۹۸ تا ۲۰۰۱ را بدون افتخار خاصی پشت سر گذاشته باشد. او در اوج قرار داشت. بازیکنی که یک سر و گردن از همه بالاتر بود و در سال ۲۰۰۰ درخشش او در یورو ۲۰۰۰ باعث شد که فرانسه دو سال پس از قهرمانی در جام‌جهانی قهرمان اروپا هم شود. بدون تردید زیدان بهترین بازیکن آن رقابت‌ها به شمار می‌رفت و بازی‌های درخشان و گل‌های حیاتی‌اش موجب شد که فرانسه با عبور از اسپانیا و پرتغال به فینال برسد. فرانسه در دیدار نهایی نیز به آن شکل خاطره‌انگیز پیروز شد تا ویترین افتخارات زیدان تکمیل شود. او علاوه بر اینکه به عنوان بهترین بازیکن رقابت‌ها برگزیده شد در پایان سال برای مرتبه دوم عنوان مرد سال جهان را تصاحب کرد.

■ گران‌ترین بازیکن تاریخ

فصل ۲۰۰۱ - ۲۰۰۰ آخرین فصل حضور زیزو در یووه بود. مطبوعات ایتالیا از چند ماه قبل نوشته بودند که زیدان از زندگی در تورین خسته شده و به علت اینکه همسرش اسپانیایی است علاقه دارد به رئال یا بارسلونا ملحق شود. شماره ۲۱ یوونتوس ضمن تکذیب این اخبار عنوان کرد که دوست ندارد مسائل شخصی زندگی‌اش به روزنامه‌ها درج پیدا کند. تمدید قرارداد با یوونتوس تا سال ۲۰۰۵ تمامی احتمالات را از بین برد اما چندماه بعد آن انتقال بزرگ به وقوع پیوست. فلورنتینو پرس رئیس باشگاه رئال در ادامه پروژه «رئال کهکشانی» یک پیشنهاد باور نکردنی برای خرید زیدان به یووه ارائه کرد و در نهایت در تابستان ۲۰۰۱ زین‌الدین زیدان با قراردادی به ارزش ۶۵ میلیون پوند به رئال‌مادرید پیوست و عنوان گران‌ترین بازیکن جهان را از آن خود کرد. هزاران هواداران رئال پیوستن بهترین بازیکن جهان به تیمشان را جشن گرفتند. آنودودی استفانو اسطوره این باشگاه در جلسه معارفه زیدان گفت: «او ستاره‌ای است که از همان روزی که متولد شد معلوم بود روزی پیراهن رئال را بر تن می‌کند.» همه منتظر درخشش شماره ۵ رئال در میانه میدان بودند. اما شروع زیدان در رئال کمی ناامیدکننده بود. زیزو از آن دسته بازیکنانی است که برای هماهنگ شدن با هم‌تیمی‌هایش به زمان نیاز دارد. در واقع سایر بازیکنان رئال فرصت می‌خواستند تا با نحوه بازی هنرمندانه زیدان و پاس‌های استادانه‌اش خو بگیرند. زیدان پس از چند هفته به آنچه تبدیل شد که انتظار می‌رفت. فیگو و دیگر ستاره‌های رئال در سایه او قرار گرفته بودند. رئال آنقدر به زیدان وابسته شده بود که هنگامی که او در نیم‌فصل دوم در دو بازی غایب بود رئال باخت و پس از بازگشت او حریف را گلباران کرد و به همین دلیل مارکا تیتر زد: «ویتامین Z». رئال در آن فصل قهرمانی در اروپا را هدف گرفته بود و به همین دلیل قهرمانی در لالیگا را به والنسیا واگذار کرد. اما این تیم در اروپا چیز دیگری بود و در سایه جادوی زیدان به هدفش رسید. زیزو در فصل گذشته لیگ قهرمانان (۲۰۰۱- ۲۰۰۰) به علت ضربه سنگینی که با سر به هافبک هامبورگ «هاینتز» زده بود با محرومیت ۵ جلسه‌ای روبه‌رو شد و به همین علت در چهار بازی ابتدایی رئال غایب بود اما در ادامه آمد و رئال را به قهرمانی رساند. قهرمانی رئال در آن سال را باید به پای زیدان نوشت. بازی‌های بی‌نقص این هافبک ممتاز باعث شد که رئال پس از عبور از بایرن‌مونیخ و بارسلونا فینالیست شود. فینال در گلاسکو برگزار می‌شد و حتماً آن گل تماشایی و جاودانه زیدان را مقابل لورکوزن به یاد دارید. بی‌دلیل نیست که هواداران رئال هرگز آن گل را فراموش نمی‌کنند و می‌دانند که آخرین قهرمانی‌شان در اروپا را زیدان به آنها هدیه داده است. چند روز پس از آن فینال رویایی جام‌جهانی شروع می‌شد. فرانسه مطمئن بود که با زیدان می‌تواند از عنوان قهرمانی‌اش دفاع کند اما یک بدشانسی بزرگ نصیب این تیم و روژه لمه شد، چند روز مانده به جام‌جهانی زیدان در بازی دوستانه مقابل کره جنوبی آسیب دید. فرانسه در دو بازی ابتدایی خود بدون زیدان به هیچ جایی نرسید و حضور شماره ۱۰ در بازی سوم هم چاره‌ساز نشد و مدافع عنوان قهرمانی با شکست ۲ بر صفر مقابل دانمارک بدون حتی یک گل زده از جام‌جهانی کنار رفت. زیدان در آن روزها فوق‌العاده بود. آن‌قدر عالی کار می‌کرد که با اینکه فرانسه آن بازی را دو بر صفر باخت و زیدان هم در اوج آمادگی‌اش قرار نداشت به‌عنوان بهترین بازیکن زمین شناخته شد. دومین جام‌جهانی زیدان خوشایند نبود.

ادامه در صفحه ۲۴

بیوگرافی

نام: زین‌الدین یزیدزیدان
تاریخ تولد: ۲۳ ژوئن ۱۹۷۲
محل تولد: مارسی فرانسه
اولین بازی ملی: ۱۷ آگوست ۱۹۹۴ مقابل جمهوری چک
تعداد بازی ملی: ۱۰۸
تعداد گل ملی: ۳۱
باشگاه‌ها
۱۹۹۲-۱۹۸۸ (کن، ۶۱ بازی، ۶ گل)
۱۹۹۶- ۱۹۹۲ (بوردو، ۱۳۹ بازی، ۲۸ گل)
۲۰۰۱- ۱۹۹۶ (یوونتوس، ۱۵۱ بازی، ۲۴ گل)
۲۰۰۶- ۲۰۰۱ (رئال‌مادرید، ۱۵۵ بازی، ۳۴گل)

افتخارات

باشگاهی: جام بین قاره‌ای (۹۶ با یوونتوس، ۲۰۰۲ با رئال‌مادرید)- سوپرجام اروپا (۹۶ با یوونتوس، ۲۰۰۲ با رئال‌مادرید)- سوپرجام ایتالیا (۹۷ با یوونتوس)- قهرمان ایتالیا (۹۷ و ۹۸ با یوونتوس)- لیگ قهرمانان اروپا (۲۰۰۲ با رئال‌مادرید)- قهرمان اسپانیا (۲۰۰۳ با رئال‌مادرید)- سوپرجام اسپانیا (۲۰۰۳ با رئال‌مادرید)
ملی: قهرمان جام‌جهانی ۱۹۹۸ - قهرمان یورو ۲۰۰۰
شخصی: بهترین بازیکن جهان (۹۸ و ۲۰۰۰ و ۲۰۰۳)- بهترین بازیکن جام‌جهانی (۱۹۹۸ و ۲۰۰۶)- مرد سال اروپا (۱۹۹۸)- بهترین بازیکن جام ملت‌های اروپا (۲۰۰۰)
■ بازیکن برتر نیم قرن اروپا (۲۰۰۴)

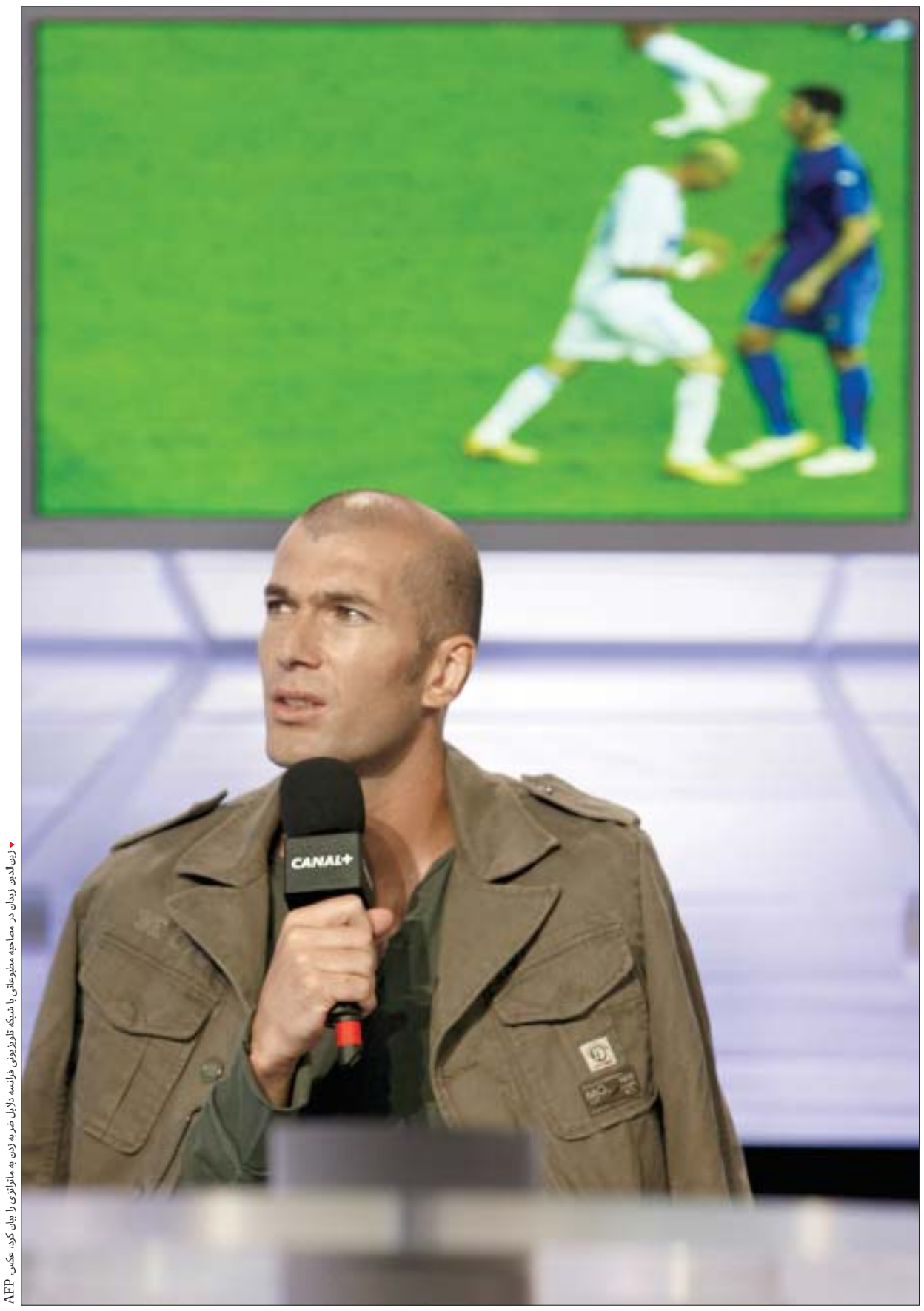

زین‌الدین زیدان در مصاحبه مطبوعاتی با شبکه تلویزیونی فرانسه دلایل ضربه زدن به ماتراتزی را بیان کرد. عکس AFP

دقیقه صفر

آخرین تصویر، آخرین ضربه

آیدین مهاجر

آخرین تصویری که از زین‌الدین زیدان در ذهنمان داریم، لحظه‌ای است که او از زمین اخراج شده، سرش را پائین انداخته و دارد از زمین بیرون می‌رود. به جام‌جهانی که رسید، قدم‌هایش سست نشد، آرام از کنارش عبور کرد و به راهروی تاریک ورزشگاه المپیک برلین رفت و در تاریکی گم شد و ما به کارگردان تلویزیونی بازی لعنت می‌فرستادیم که چرا دوربینی را در آن راهروی تاریک کار نگذاشته که بازی فینال را بی‌خیال شویم و با زیدان به رختکن برویم و ببینیم که استاد چگونه می‌نشیند، سرش را پائین می‌اندازد و خاطراتش را مرور می‌کند. خاطرات آن روزهایی که به همراه کریستف دوگاری و لیزارازو بوردو را پس از سال‌ها به فینال یک جام اروپایی رساندند، آن روزهایی که دل مارچلو لیپی کبیر را ربود، همان روزهایی که امه‌ژاکه فهمید می‌تواند از کانتونا وژینولا عبور کند و سرنوشت تیمش را به ساق‌های او گره بزند، آن روزهایی که او به ما فهماند می‌شود در خدمت تیم بود اما به چشم آمد و ما فهمیدیم که زیدان هم استاد بازی گروهی است و هم استاد نمایش‌های فردی. استاد اینکه خلاقیت را در بازی تیمی حل کند. بازیکنی برای فوتبال مدرن اواخر قرن بیستم. زین‌الدین زیدان بنیان‌گذار فوتبال مدرن نبود، اما بی‌تردید نماد فوتبال مدرن بود، چنان که استاد لوبانفسکی فقید درباره او می‌گفت: «او یک بازیکن مدرن است، بازیکنی برای هزاره سوم» و زیدان بازیکنی برای هزاره سوم بود، هزاره‌ای که در شروع آن تاکتیک‌های دفاعی به بلوغ کامل رسیده بود و تیم‌ها می‌بایست برای فرار از تله‌های دفاعی، سریع و هدفمند بازی می‌کردند و زیدان بازیکنی برای این کارها بود، جوری بازی می‌کرد که بازی‌اش اصلاً به چشم نمی‌آمد؛ راحت و خونسرد، شیک و تر و تمیز. بیشترین چیزی که از بازی او به ذهنمان سپردیم، آن تقه‌های بی‌نظیرش بود، آن تقه‌هایی که دفاع حریف را آشفته می‌کرد. چنان کم‌نقص بازی می‌کرد که خیلی‌ها آرزو داشتند در کنارش بازی کنند، آنهایی هم که نمی‌توانستند می‌کوشیدند مثل او توپ را به حرکت درآورند و آنهایی که اهل فوتبال بازی کردن نبودند، در پی پاسخ این سئوال بودند که چه چیزی در بازی زیدان با همه ساده بازی کردنش، نهفته است که همه دیوانه بازی‌اش می‌شوند. ما هم در پی پاسخ این سئوال بودیم و می‌دیدیم که او برای اینکه ریتم بازی تیمش خوب از آب دربیاید، خیلی کارها را انجام نمی‌دهد و بازی تیمی را فدای خودنمایی نمی‌کند، درست مثل کارگردانی که سر مونتاژ، پلان‌های شیکش را برای حفظ ریتم فیلم دور می‌ریزد و برای این جسارتش در دور ریختن پلان‌ها فیلم‌هایش دیدنی می‌شوند.

زیدان برای این زیدان شد که مو لای درز کارش نمی‌رفت، برای این زیدان شد که خیلی جاها، خیلی کارها را نمی‌کرد، مثلاً اگر لازم نبود پا به توپ شود، نمی‌شد- از روی توپ رد می‌شد تا آن به دیگری برسد- یا اگر لازم نبود، دریبل بزند، نمی‌زد. با کمترین ضربه به توپ، بهترین پاس‌ها را می‌داد و زیباترین گل‌ها را می‌زد و سرنوشت بازی را تغییر می‌داد و برای همین تمیز بازی کردنش بود که او را نماد فوتبال مدرن لقب دادند. او آن‌قدر خوب بود که به راحتی می‌توانیم نامش را کنار بزرگانی چون پله، کرویف و مارادونا قرار بدهیم و حتی بگوییم سبک بازی او در نوع خودش بی‌نظیر بود. دهه هفتادی نبود، که بخواهد همه را دریبل بزند و توپ را بکند توی گل، درست همان چیزی بود که والری لوبانفسکی گفته بود؛ بازیکنی برای فوتبال مدرن هزاره سوم.

استاد برای نسل ما تصاویر عجیبی را رقم زد که سال‌ها می‌توانیم آنها را به خاطر بیاوریم و به خود ببالیم که سال‌های ظهور او را دیدیم و دیدیم که او چگونه در بوردو رشد کرد و در یوونتوس پرورش یافت و با فرانسه قهرمان جام‌جهانی شد و با رئال تماشایی ۲۰۰۲، بهترین بازی‌های عمرش را به تصویر کشید و دیدیم که چگونه در جام‌جهانی ۲۰۰۲ فرو افتاد و چگونه چهار سال بعد دوباره ظهور کرد و جاودانه شد. هر چقدر بیشتر بازی‌هایش را تماشا کردیم، بیشتر با آن ظرافت‌های بازی‌اش آشنا شدیم. ظرافت‌هایی که با آن چهره سنگی در تناقض کامل بود. اما همان چهره و آن نگاه متاثرکننده که صلابت از آن می‌بارید یکی از چیزهایی بود که او را از سایرین متمایز می‌کرد. چهره‌ای آرام که دوستدارانش را در لحظات سخت سرجایشان می‌نشاند. انگار می‌گفت نگران نباشید، من هستم و نمی‌بازیم. درست مثل روز آخر. چنان در وسط زمین می‌درخشید که داشتیم دق می‌کردیم. آخر چرا او باید می‌رفت؟ وقتی آن ضربه سر را زد و بوفون آن را گرفت، به زمین و زمان فحش می‌دادیم که پایان غرورانگیز قهرمان زندگی ما را خراب کرد و هنگامی که با ضربه سر، ماتراتزی را زمین زد ناگهان آرام شدیم و سرجایمان نشستیم. منتظر بودیم که کارگردان تلویزیونی بازی، حال ما را بفهمد و با زیدان به رختکن برود که نرفت و ما ماندیم و آن تصاویری که از این هنرمند نابغه فوتبال در گوشه ذهن‌مان نگه داشته‌ایم و برخی از شب‌ها که دلمان برایشان تنگ می‌شود، آنها را پیش چشمانمان می‌آوریم و برایش دعا می‌کنیم. برای کسی که لحظات نابی را برایمان رقم زد، برای قهرمانی که از تک‌تک رفتارهایش خاطره داریم؛ از آن دریبل‌های کم‌نقص و پاس‌های درجه یکش، از آن شوت‌های کات‌دار دقیق و ضربات سر عالی‌اش، از آن بازی شیک و تروتمیزش و از آن نگاه نافذ و پرتاب کردن آب دهانش. یادش به خیر.